

غزل شماره ۱۲۹

اگر نه باده غمِ دل زیادِ مایِ برَد

نهیَبِ حادثه بنیادِ مازِ جابِ برَد

اگر نه عقل به مستی فرو کُشد گنر

چگونه کشتی از این ورطه بلا برَد

فغان که با همه کس غایانه باخت فلک

که کس نبود که دستی از این دعا برَد

لذار بر ظلمات است، خضرِ راهی کو؟

مباد کاش محرومی آب مابرد

دل ضعیفم از آن می‌کشد به طرفِ چمن

که جان ز مرگ به بیماری صبا برد

طیبِ عشق منم باده ده که این معجون

فراغت آرد و اندیشه خطا برد

بسوخت حافظ و کس حال او به یار نگفت

مگر نسیم پیامی خدای را برد

تفسیر فال

حادثه‌ای برایت روی داده است که حتی عقل و منطق نیز از یافتن راه حلی برای آن ناتوان مانده‌اند. در این حالت تاریک و پر از ابهام، همچون موجودی سرگردان به نظر می‌رسی که هیچ روزه‌ای برای گریز از این وضعیت دشوار پیدا نمی‌کند. اما در چنین لحظاتی، ضروری است که دل خود را قوی نگه‌داری و تسلیم ناامیدی نشوی. با اندیشیدن به مرگ یا مشکلات پیش رو، نه تنها چیزی حل نمی‌شود، بلکه ممکن است بار روانی بیشتری بر دوش تو بگذارد. امیدوار باش؛ زیرا نسیم الهی در حال وزیدن است و انرژی مثبتی در فضای اطراف تو وجود دارد. بدان که مشکلاتت ممکن است به یک معجزه تبدیل شوند و راه حلی غیرمنتظره برای آنها پیدا شود. زندگی گاهی اوقات به ما درس‌هایی می‌آموزد که فراتر از فهم ماست، اما با امید و ایمان می‌توان بر این چالش‌ها غلبه کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)